

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

نعمت الله مختارزاده
شهر اسن - المان

مُهرِ تکفیر

بنده یک شاعر بی نام و نشان
که نه وبسیت و نه مېسیت مر است
نه کتابی و نه ، مجموعه شعر
که فرستم به شما ، آنچه سزاست
صادق و ساده و صافم به خدا
که ز **تزویر** ، مرا راه جداست
نه **لباسش** به تن خود کردم
نه ، گذارم که به جان رفقاست
آن **لباسی ست**، پُر از **ریب و ریا**
در خور و شان همه **شیخ دغااست**
نه به اندام و ، تن ما زیبد
نه سزاوار **قد سرو** شماست
نقدکی نرم ، رقم میدارم
کمکی گرم و به دلها چو دواست
کار و باری به کسی نیست مرا
جز کسانیکه روان ، **راه خطاست**
هموطن ، دربدر و ، آواره
زانکه **بدبختی** ز ، **جهل علماست**
علما بس که **سیاسی** شده اند

کئل سیاست به **بغل جیبِ ملاست**
 بس که از **دین** ، **تجارت** کردند
دین بیچاره، کنون **پا به هواست**
 نقدی انشا شدی از خامه من
 همه گفتند که چون است و چراست
 میتوانی به همه بنویسی
 گر به (**ارشاد**) نویسی نه روانست
 زانکه (**ارشاد**) ، شهادت دادی
 ورنه میدیدی که گردش به هواست
همگی گنگه و کورند و ، کر اند
 بس که ترسی به دل از **مهرِ ملاست**
خفه کردند ، صدایم به گلو
مهر تکفیر، خوشا ، فخر و سزاست
 کمکی حاشیه رفتم ، به خدا
 دل بی پیرِ مرا ، دستِ سخاست
 آدرسِ شخصی من ، خواهی اگر
 بنویسش ، به تو گویم که کجاست
 عشق ، شهر است و محبت ، وطنم
 کوچه دل ، و خیابانِ وفاست
 گر خواهی که بخوانی اثرم
افگ ، آزاد ، دت و کام ، نماست
 میتوانی که دهی نمره من
 به دل هر که اگر جای بماست
صفر و صفر و چل و نه ، دوصد و یک
پنج و سه ، هشت و شش و سه ، هشت بجاست
 بیش ازین نیست ز « نعمت » سخنی
 اُدُنّ واعیه امروز که راست